

Reading the image of the sensory and abstract meaning of the concept of resurrection in Surah Al-Inshiqaq

Vafa Mahfouzi Mousavi*, Sayyed Hossain Seyedi**

Amir Moqaddam Mottaqi***

Abstract

One of the manifestations of the miracle of the Holy Quran is illustration, which is the basic rule of the style of the Holy Quran and a prominent tool in expressing feelings, mental affairs, abstract meanings and sublime religious concepts. The depth of souls penetrates. One of the fundamental doctrinal issues of Muslims is resurrection, which is an abstract concept and is depicted in different ways in the Holy Quran; In this research, the authors intend to investigate the concept of resurrection in Surah Al-Inshiqaq with a descriptive-analytical method and answer the questions: How is the image of the sensory and abstract meaning of the concept of Resurrection in Surah Al-Inshiqaq manifested? What is the function of images and their frequency? The findings indicate that the image of the sensory and abstract meaning of the concept of resurrection in this surah is manifested in the form of various elements such as recognition, embodiment, reincarnation, etc., while influencing, induces the intended purpose to the audience and its functions, while

* Ph.d candidate of Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, Vafa.mahfoozi@gmail.com

** Professor of Arabic Language and Literature , Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author), seyedi@ferdowsi.um.ac.ir

*** Associate Professor of Arabic Language and Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

Date received: 30/05/2021, Date of acceptance: 28/08/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

explaining the concepts. , Is related to the context of verses and phrases, and psychological function and artistic function have the highest frequency.

Keywords: image, sensory, abstract, resurrection, Holy Quran.



خوانش تصویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق

وفاء محفوظی موسوی*

سید حسین سیدی**، امیر مقدم متقی**

چکیده

یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم، تصویرپردازی است که قاعده اساسی سبک قرآن و ابزار برجسته در بیان محسوسات، امور ذهنی، معانی انتزاعی و مفاهیم والای دینی است و به الفاظ و عبارات جلوه زیبایی می‌بخشد و سرشار از حرکت و پویایی و حیات است و به عمق جانها نفوذ می‌کند. یکی از مسائل اعتقادی بنیادین مسلمانان، قیامت است که مفهومی انتزاعی است و در قرآن کریم به گونه‌های مختلف به تصویر کشیده شده است؛ در این پژوهش، نگارندگان برآنند تا با روش توصیفی - تحلیلی، مفهوم قیامت در سوره انشقاق را واکاوی کنند و به این پرسش‌ها پاسخ دهند که تصویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق چگونه جلوه‌گر می‌شود؟ کارکرد تصاویر و بسامد آنها چگونه است؟ یافته‌ها حاکی از آن است که تصویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت در این سوره در قالب عناصر مختلفی همچون تشخیص، تجسیم، تناسق و ... نمود یافته، ضمن تأثیرگذاری، هدف موردنظر را به مخاطب القا می‌نماید و کارکردهای آن، ضمن تبیین مفاهیم، با بافت

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،
vafa.mahfoozi@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)،
seyedi@Ferdowsi.um.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،
a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

آیات و عبارات درارتباط است و کارکرد روانی و کارکرد هنری بیشترین بسامد را دارا هستند.

کلیدواژه‌ها: تصویر، حسی، انتزاعی، قیامت، قرآن کریم.

۱. مقدمه

تصویرپردازی یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن کریم است که در آیات مختلف نمود یافته و زیبایی آیات را چندبرابر نموده است. قرآن کریم، با شیوه‌های مختلف، از حروف و کلماتی ظاهراً ساده و بی‌جان، تصاویری زیبا و شگرف می‌آفریند و به آنها روح و طراوت می‌بخشد؛ معانی ذهنی و مفاهیم انتزاعی را جان بخشیده، بر اندیشه و احساس مخاطب تأثیر گذاشته، هدف دینی موردنظر را به او القا می‌کند. همچنین تصویر، روش برتر بیان در سبک قرآن و نقش بنیادین در فهم ژرف معانی انتزاعی قرآن و ارتباط مؤثرتر مخاطب با متن آن دارد؛ بنابراین، به کمک تصویر می‌توان محسوسات و امور ذهنی و انتزاعی را بهتر درک نمود. مفهوم انتزاعی قیامت، از جمله تصاویر پربسامدی است که در قرآن کریم ترسیم شده و برای رساندن مفهوم آن به مخاطب، عناصر و کارکردهای مختلفی به کار گرفته شده است. در سوره انشقاق، به مسأله قیامت پرداخته شده است، لذا واکاوی معنای تصویر حسی و انتزاعی مفهوم قیامت، برای روشن شدن هرچه بیشتر زوایای آن، ضرورت انجام این پژوهش را ایجاب می‌کند. از این روی، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستند که: تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق چگونه جلوه‌گر می‌شود؟ کارکرد تصاویر چگونه و بسامد آنها به چه میزان است؟ روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی است؛ ابتدا مفاهیم و تعاریف را بیان نموده، سرانجام بعد از جمع‌آوری شواهد و بررسی بعضی تفاسیر، به تحلیل تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق پرداختیم.

۲. پیشینه پژوهش

تحقیق و پژوهش درباره تصویر و تصویرپردازی در قرآن - براساس کتب به‌جامانده - از قرن دوم مورد اهتمام قرآن‌پژوهان بود. آثاری چون معانی القرآن از فرآء (م. ۲۰۷ق)، تأویل القرآن از ابو عبیده معمر بن مثنی (۱۱۴-۲۱۰ق) و بررسی جنبه‌های بیانی اعجاز در

آثاری چون النکت فی إعجازالقرآن، اثر خطابی (م. ۳۸۸ق) و دلائل الإعجاز از عبدالقاهر جرجانی (م. ۴۷۱ق)، نمونه‌های کوچکی از تلاش‌های قرآن‌پژوهان برای بررسی بلاغت و زبان قرآن است. مفسرانی چون زمخشری (م. ۵۳۸ق) نیز در تفسیرالکشاف به جنبه‌های زیبایی‌شناختی پرداخته‌اند.

با این تفصیل، بحث تصویرپردازی هنری قرآن، سابقه طولانی ندارد و بیشتر به دهه‌های اخیر باز می‌گردد. مصطفی صادق الرافعی در کتابی با عنوان «إعجازالقرآن و البلاغة النبویة» دیدگاه موسیقایی و هنری قرآن را مطرح کرد. سید قطب، در کتاب‌های «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» و «مشاهد القيامة فی القرآن» تصویرپردازی هنری قرآن و محمد قطب عبدالعال در کتاب «من جمالیات التصویر فی القرآن الکریم» و عبد سعد یونس در کتاب «التصویر الجمالی فی القرآن الکریم» جنبه‌های زیباشناختی تصویر در قرآن را بررسی نموده‌اند. سید حسین سیدی در کتاب «زیبایی‌شناسی آیات قرآن» با بیان دیدگاه‌های دانشمندان غربی و اسلامی درباره زیبایی‌شناسی، مفاهیم زیباشناختی و مؤلفه‌های نقد جدید و ... را بررسی نموده است. علاوه بر کتب ذکر شده، مقالاتی نیز به رشته تحریر درآمده‌اند؛ از جمله این مقالات:

۱. مقاله «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن» در فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، نوشته سید حسین سیدی (۱۳۸۷) که بعضی از مؤلفه‌های تصویر هنری را بررسی نموده و براین نظر است که این شیوه، بیشتر برای عینی نمودن مفاهیم ذهنی و انتزاعی به کار می‌آید و قرآن کریم از این کارکرد ادبی متن توانسته است مفاهیم را به زیباترین شکل برای مخاطب به تصویر بکشد.

۲. مقاله «انتقال معنی از طریق تصویرسازی ذهنی، در جزء سی‌ام قرآن کریم» (۱۳۹۳) در فصل‌نامه علمی نگارینه هنر اسلامی، نوشته جلیل‌الله فاروقی هندوالان و همکاران که سبک جزء سی قرآن کریم در عینیت‌بخشی به مفاهیم انتزاعی از طریق کارکردهای تصویری ذهنی را بررسی نموده است و در این راه به گونه‌های متنوعی از تصاویر که درون بافت قرآنی باهم در تعامل بوده، اشاره کرده است.

۳. مقاله «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب» (۱۳۹۴) در مجله جلوه هنر نوشته اشرف‌السادات موسوی‌لر و سپیده یاقوتی که نگارندگان برخی از تصاویر قرآن کریم را بر پایه نظریه تصویرپردازی هنری مورد بررسی قرار داده‌اند.

۴. مقاله «ساختار سوره انشقاق» (۱۳۸۷) در فصلنامه بلاغ مبین، نوشته یونس دهقانی فارسانی که ساختار سوره انشقاق را حول سه موضوع اصلی آن یعنی «قیامت، انسان و انسان در قیامت» بررسی نموده است.

تاکنون هیچ پژوهشی، تصاویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق را به صورت پژوهشی جداگانه مورد بررسی قرار نداده است. نوآوری این مقاله، معین کردن تصویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت و نیز تبیین کارکرد آن‌ها با استفاده از نظرات ادیبان مشهور به ویژه سید قطب و عبدالسلام احمد الراغب است. بدین وسیله این پژوهش می‌تواند اقدامی در جهت نشان دادن اعجاز بلاغی آیات قرآن کریم از زاویه‌ای دیگر، فهم و درک معانی این آیات و تفسیر آنها و در نتیجه، رسیدن به هدف دینی قرآن کریم، که همان یادآوری قیامت است، باشد.

۳. مفاهیم نظری

۱.۳ تصویر در لغت

تصویر، یعنی صورت هر مخلوق، و جمع آن، صور است که همان قیافه و شکل ظاهری او است. (ابن فارس، بی تا، ۳: ۳۲۰) ابن منظور، «تصویر» را به معنای شکل و هیئت می‌داند و «صُور، صِوَر، صُور» را به عنوان جمع آن آورده است. (ابن منظور، بی تا: ج ۴، جزء ۲۷، ۲۵۲۳) پس می‌توان گفت که تصویر در واقع، ظاهر و شکل یک پدیده یا شیء و یا موجودات دیگر است.

۲.۳ تصویر در اصطلاح

نخستین کسی که به تصویر در اثر ادبی توجه نمود، جاحظ (در گذشته ۲۵۵هـ) بود. به نظر او «شعر، صنعت است و گونه‌ای از بافت و نوعی از تصویر». (جاحظ، ۱۹۴۸: ج ۱۳۲/۳-۱۳۱) تصویر از نظر رمانی یعنی تجسم امور معنوی در صور محسوس که به چشم دیده می‌شوند. (عبدالعزیز شادی، ۱۹۹۱: ۱۸) ولی بلاغیون متأخر مانند سکاکی و خطیب قزوینی مفهوم تصویر را محدودتر کرده‌اند و «اصطلاح تصویر را به برخی تشبیه‌ها و استعاره‌های مرکب اطلاق نموده‌اند». (همان / ۳۰) تصویر در اصطلاح بعضی از ناقدان جدید

خوانش تصویر معنای حسّی و انتزاعی ... (وفاء محفوظی موسوی و دیگران) ۶۵

روش خاصی از روش‌های بیان یا وجهی از وجوه دلالت است که اهمیت آن در ویژگی و نوع تأثیری منحصر می‌شود که از خود در هر یک از مفاهیم به‌جای می‌گذارد. اما این ویژگی و این تأثیر هرچه باشد، تصویر هرگز نمی‌تواند طبیعت و جوهر اصلی مفهوم را تغییر دهد. (عصفور، ۱۹۹۲: ۳۲۳)

تصویر به‌واسطه حواسّ به‌وجودآورنده آن به تصویرهای دیداری، شنیداری، بویایی، چشایی و لمسی تقسیم می‌شود. (الراغب، ۱۳۸۷: ۴۱) همچنین، قوه محرکه عواطف است «قوای محرکه عواطف در تصویر جمع شده است.» (بسام ساعی، ۱۹۸۴: ۲۸) بنابراین، تصویر، اصطلاحات گوناگونی دارد که هرکدام کارکرد خود را دارد.

۳.۳ تصویرپردازی قرآنی

تصویر هنری در قرآن، تصویری است آمیخته با رنگ و جنبش و موسیقی و زنگ کلمات و نغمه عبارات و سجع جملات، به‌گونه‌ای که دیده و گوش و حس و خیال و هوش و وجدان را از خود آکنده می‌سازد. این تصویر از رنگ‌های مجرد و خطوط بی‌روح انتزاع‌نشده، بلکه پدیده‌ای است گویا و زنده که ابعاد و مسافات، از راه مشاعر و وجدانیات در آن اندازه‌گیری می‌شود و معانی بدین‌صورت در نفوس آدمیان با مناظری از طبیعت که خلعت حیات بر تن پوشیده‌اند، اثر می‌گذارند. (قطب، بی‌تا: ۳۰) از آنجایی که انسان‌ها از طریق حواس، به فهم پدیده‌ها و حتی علوم مختلف نائل می‌شوند، تصویرپردازی می‌تواند ابزاری کارساز برای نیل به این مقصود باشد. بنابراین «تصویرپردازی از سازوکارهایی است که در قرآن کریم برای عینی‌نمودن و ملموس‌کردن مفاهیم ذهنی و انتزاعی به‌کار رفته است.» (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۱۵) پس تفاوت میان «تصویر قرآنی» و ذوق علمای بلاغت و ناقدان که همچنان در چارچوب تصویر جزئی و حسّی ماندند و در قواعدشان به افق‌های تصویر قرآنی، که جامع بین حسّی و غیرحسّی و جزئی و کلی است، راه نیافته‌اند، بسیار است. (الراغب، ۱۳۸۷: ۷۱)

۴.۳ تصویر معنای حسّی

واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسّی‌اند. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱) بعضی از تصاویر قرآنی کاملاً ملموس هستند و با یکی از حواس پنجگانه

قابل درک هستند که تصاویر حسّی نامیده می‌شوند. قرآن کریم با توصیف بعضی از امور حسّی، پیام خود را به مخاطب می‌رساند. مانند آیه «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)». تصویر شکافته شدن آسمان، تصویری دیداری است.

۵.۳ تصویر معنای انتزاعی

واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۵۱) به وسیله تصویر است که می‌توان مفهومی ذهنی و انتزاعی را برای مخاطب تبیین نمود. (سیدی، ۱۳۸۷: ۱۰۷) تصاویر انتزاعی یا ذهنی با حواس پنجگانه قابل لمس نیستند؛ مانند اعمال انسان در این آیه «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ (۷)». یعنی این که اعمال انسان به طور کلی، همان تصاویر معنای انتزاعی هستند که با حواس پنجگانه قابل درک نیستند. (نه دیده می‌شوند و نه شنیده می‌شوند...)

۶.۳ معرفی اجمالی سوره انشقاق

سوره انشقاق هشتاد و چهارمین سوره قرآن و از سوره‌های مکی در جزء سی‌ام است و بیست و پنج آیه دارد. انشقاق یعنی شکافته شدن و به این دلیل این سوره را «انشقاق» می‌نامند که در آغاز آن، به شکافتن شدن آسمان به هنگام آغاز قیامت اشاره شده است. سوره انشقاق درباره علائم قیامت و پایان این جهان و معاد سخن می‌گوید؛ به عبارتی تصاویر این سوره، اندیشه دینی قیامت را تبیین می‌کند.

۴. تصاویر معنای حسّی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق

با توجه به آیاتی که در سوره‌های مختلف خبر یا اشاره‌ای به این واقعه آینده و مهم جهانی دارد، به خوبی معلوم می‌شود که هر آیه‌ای با بیان و لحن مخصوصی آمده است و در هر بیان و تعبیری مرحله و صورتی از آن واقعه را می‌نمایاند، گاه از مرحله ابتدایی آن خبر می‌دهد، گاه مراحل بعد و صورت‌های دیگر پس از وقوع آن را می‌نمایاند. (طالقانی، ۱۳۶۲: ج ۳/ ۲۶۸) این مراحل و تصاویر، معنا و پیام خاصی را به مخاطب منتقل می‌کند؛ مثلاً در تفسیر آیه «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱)» گفته می‌شود که دونیمه شدن آسمان

به خاطر هراس از قیامت است همان‌طور که در آیه «وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ» (الحاقه/۱۶) به آن اشاره شده است و دلیل این تفسیر آن است که بعضی آیات قرآن، آیات دیگر را تفسیر می‌کنند. همچنین

تصویر قرآنی از شیوه‌های مختلفی مانند توصیف، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، موسیقی و عنصر فاصله مدد می‌گیرد و به‌گونه‌ای است که خواننده فراموش می‌کند که این کلام است که به شکل حادثه یا منظره‌ای جلوه می‌کند. اساس تصاویر قرآنی بر پایه‌های تشخیص، تجسیم و تخیل استوار است (محمدقاسمی، ۱۳۸۶: ۶۴).

تصویرگری در این سوره به صورت تضاد (مقابله)، تشخیص، تجسیم، موسیقی و تناسب صورت گرفته است؛ در ادامه به انواع صنعت‌های بلاغی موجود در این سوره می‌پردازیم:

۱.۴ تضاد یا مقابله

تضاد، که «طباق» و «مطابقه» نیز خوانده می‌شود، در اصطلاح بدیعیان و لغت‌شناسان، بر صنعتی اطلاق شده است که بر اساس آن، دو کلمه متضاد یا متفاوت را در یک عبارت می‌نهند. (ابوهلال، بی‌تا: ۳۳۹) گاه قرآن، زمین و آسمان را باهم می‌آورد و از طریق تضاد میان آن برای نشان دادن صحنه‌های متغیر و هولناک کیهانی رابطه برقرار می‌نماید: «إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ» (۱) «وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (۲) «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ» (۳) «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (۴) «وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» (۵) ترجمه: آنگاه که آسمان از هم بشکافتد (۱) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد (۲) و آنگاه که زمین کشیده شود (۳) و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود (۴) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد (۵) آسمان و زمین در این جا هم می‌شنوند و هم اطاعت می‌کنند و در شکافته شدن و گسترش یافتن مطیع خداوندند، گویی موجودات زنده‌ای هستند. این برای نشان دادن قدرت خداوند و تأثیر فعل او بر این توده‌های عظیم کیهانی و ترسیم آثار هول و هراس در هستی است. (الراغب، ۱۳۸۷: ۴۳۲) به عبارتی در آیات ۱ و ۳، فاعل بر فعل مقدم شده زیرا که انشقاق و دو نیمه شدن آسمان و کشیده شدن زمین، امری غیرطبیعی و غیرمعمول است و از تقدیمشان، تهویل و به ترس انداختن فهمیده می‌شود. نوع تصویر حسی شکافته شدن آسمان و

کشیده شدن زمین، مجازی و مفرد است و کارکرد آن روانی است و صحنه هولناک قیامت را در ذهن وی مجسم می‌کند و احساس مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از بین حروف شرط، «إذا» برای آیات این سوره انتخاب شده، به این دلیل که «إذا» برای اموری به کار می‌رود که متکلم از وقوع آن در آینده اطمینان دارد و آن مسأله قطعیت دارد؛ در مجمع‌البیان آمده:

انشقاق به معنای شکافتن و از هم گسستن است. و از هم گسستن آسمان از نشانه‌های قیامت می‌باشد و جواب «إذا» فعل محذوفی است که «فملاقیه» بر آن دلالت می‌کند، یعنی هرگاه آسمان شکافته و از هم باز هم شود، آدمی نتیجه تلاش خود را می‌بیند، یا جواب «إذا» حذف شده تا هر چه در تقدیر گرفته شود، درست آید (الطبرسی، ۱۴۱۵ق: ج ۳۰۴/۱۰).

به همین دلیل پس از آن فعل ماضی به کار رفته است تا قطعیت وقوع آن را تأیید کند، زیرا فعل ماضی، زمانی برای وقوع حادثه‌ای در آینده به کار می‌رود که آن حادثه قطعی باشد به همین دلیل خداوند متعال برای حوادث قیامت از افعال ماضی استفاده کرده است و این گونه می‌توان نتیجه گرفت که این آیات، قطعیت وقوع حادثه قیامت را به خوبی نمایان می‌کند؛ تصاویر دگرگونی آسمان و زمین علاوه بر کارکرد عقلانی که بر مسأله قیامت اقامه حجت می‌کند، کارکرد دینی را به دنبال دارد و هدف دینی را به مخاطب القاء می‌کند. از سویی دیگر، یکی از کارکردهای طباق، بیان قدرت خداوند متعال است.

۲.۴ تجسیم

یکی دیگر از موارد تصویرپردازی در قرآن کریم، تجسیم است؛ «تجسیم در لغت به معنای امور مجرد را به صورت مادی، محسوس و ملموس نشان دادن و لباس مادی بر اندام آن‌ها پوشانیدن و یا دادن صفات مادی به آنهاست» (قطب، بی تا: ۵۷). سید قطب در قالب مثال‌هایی تجسیم را که شامل استعاره، تشبیه، تشبیه تمثیلی، تشخیص، مجاز و کنایه است، توضیح داده است. (همان: ۶۷-۵۶) علاوه بر این موارد، موسیقی، تناسق و گفتگو از جمله عناصری است که در تصویرآفرینی نقش به‌سزایی دارند. در سوره انشقاق بعضی از این عناصر به کار رفته است که به شرح آنها می‌پردازیم:

۱.۲.۴ تشخیص یا جان بخشی

تشخیص، «نوعی از خیال‌انگیزی و صورت‌گری را می‌توان تشخیص بنامیم که در پوشانیدن حیات و زندگی بر مواد جامد و ظواهر طبیعی و انفعالات وجدانی، مجسم و آشکار می‌گردد.» (قطب، بی‌تا: ۵۷) گاهی اوقات یک واژه قرآنی بدون ارتباط با سایر واژگان، به تنهایی تصویری گویا و صحنه‌ای بدیع می‌آفریند و معنایی بیکران در پیمانه لفظ می‌گنجانند، و این از ویژگی‌های بیانی اعجاز قرآن کریم است.

در آیات ۲ و ۴ این سوره «وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ» و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد» آسمان و زمین مانند یک موجود جاندار، می‌شنوند و از پروردگارش فرمانبرداری می‌کنند؛ این تصویر معنای انتزاعی، نوعی جنبش و حرکت و حیات در جامدات در راستای اطاعت از پروردگار را نمایان می‌کند و زمین را همچون انسانی ترسیم می‌کند که فرمان خداوند را می‌شنود و اطاعت می‌کند؛ همچنین این مفهوم را می‌رساند که آسمان و زمین با آن عظمت و بزرگی، در روز قیامت در برابر خداوند متعال هم‌چون غلامی فرمانبردار، مطیع فرمان سرور خود هستند و این تصویر، بر ذهن و اندیشه مخاطب تأثیر می‌گذارد؛ کارکرد عقلانی این تصویر به‌خوبی نمایان است چرا که مخاطب را به تفکر و تعقل وامی‌دارد.

در آیات «وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ» (۳) «وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ» (۴) نیز، تصویر زمین را می‌بینیم که مانند یک انسان، ذخایر نهفته خود را بیرون می‌اندازد و خود را عرضه می‌دارد. این تصویر حسی، مبتنی بر تخیل است و تصویری مفرد و مجازی است و کارکردی روانی دارد چرا که شگفتی بیننده را به‌دنبال دارد. از سویی دیگر، نوعی جنبش و پویایی به زمین داده می‌شود. بنابراین، کارکرد هنری آن نیز مشهود است چرا که زیبایی آوایی و زیبایی بصری باهم در حرکت، متجلی می‌شوند. در واقع، در تصاویر تجسمی به‌خاطر حسی بودن تصویر و گزینش واژگان محسوس در سخن، قدرت ارتباط با مخاطب بیش‌تر است و اثرگذاری آن نیز قوی‌تر و مؤثرتر.

۲.۲.۴ استعاره

استعاره از عناصر مهم تصویرپردازی در قرآن است که نقش فراوانی در بلاغت و اعجاز آن دارد و به شیوه‌های گوناگونی به‌کار رفته است؛ «قرآن به‌واسطه اسلوب استعاره، تصاویر

بیانی زیبا ترسیم می‌کند، بدان‌ها رنگ و سایه می‌بخشد و به دنبال این، در آنها روح حرکت و حیات می‌دمد. حرکتی که در نهایت، همچون شاخصی زنده و پویا می‌شود. (بکری، ۱۴۰۰: ۱۹۷) همچنین از دیدگاه بلاغیون سنتی، «استعاره برای تزیین زبان متعارف، بسیار کارآمد و مؤثرترین شیوه برای تالؤ بخشیدن به سبک و فاخر کردن آن است. از دید ایشان، ارزش غایی استعاره در کارکرد تزیینی آن است.» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۲۶) استعاره انواع گوناگونی دارد که هر کدام برای هدف خاصی به کار رفته است و مفهوم و اندیشه مورد نظر را به مخاطب القا می‌کند:

۱.۲.۲.۴ استعاره مکنیه

استعاره مکنیه از استعاره‌هایی است که برای اهداف خاصی در قرآن به کار می‌رود. در آیات «وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ» (۳) «وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ» (۴) ترجمه: (و آنگاه که زمین کشیده شود، و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود) مقصود از این استعاره، بیان اطاعت زمین و شنیدن امر خداوند است که حرکت می‌کند و پستی‌هایش هموار می‌شود و اموات و انسان‌هایی که در درونش به امانت هستند مانند جنینی در درونش بوده‌اند و آن‌ها را وضع حمل می‌کند. (سید رضی، ۱۴۰۷ق: ۲۶۹) در واقع در آیه «وَ أَلْقَتْ مَا فِيهَا وَ تَخَلَّتْ» (۴) استعاره مکنیه به کار رفته «آنجا که وضعیتی زمین را به یک زن باردار تشبیه کرده، هنگام پریشانی و وحشت هر چه درون شکمش هست را می‌اندازد، سپس مشبه‌به را حذف کرده، اصطلاح انداختن را به عاریه گرفت» (الصفافی، ۱۴۱۸ق: ج ۲۸۱/۳۰). به تفسیری دیگر «زمین آنچه از مردگان در جوف دارد بیرون می‌اندازد، و خود را از آنچه دارد، تهی می‌سازد. بعضی گفته‌اند: مراد بیرون‌انداختن مرده‌ها و گنج‌ها است کما اینکه خداوند فرموده: «وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۰۰/۲۰). این آیه، تصویر معنای حسنی خالی شدن زمین را در قالب استعاره مکنیه تبیین نموده تا اوضاع وقوع قیامت در پیش‌روی مخاطب محسوس‌تر باشد؛ در تفاسیری که در بالا از این آیه ذکر شد، هر کدام زمین را به چیزی تشبیه نموده که هر آنچه در خود دارد را، بیرون می‌اندازد. در واقع، زمین به انسان یا جاندار تشبیه شده که توانایی این را دارد که هر آنچه درون خود دارد، بیرون بیندازد؛ ارکان این استعاره مکنیه به این صورت است که زمین، مستعار له است و انسان یا جاندار، مستعار منه و جامع در اینجا لفظ «أَلْقَتْ» است. همچنین، تصویر انتزاعی بیرون‌انداختن

آنچه که درون زمین است، نوعی جنبش و پویایی را ترسیم می‌کند که نیروی خیال را به‌کار می‌گیرد. به تعبیری «زمین در این دگرگونی و زیر و رو شدن، فرمانش به ارادهٔ پروردگار خویش است؛ گویی امانتی را که قرن‌ها برداشته و همراه داشته است، باز می‌گرداند و تحویل می‌دهد.» (قطب، ۱۳۴۹: ۴۳۳). می‌توان گفت بازگرداندن امانتی که زمین همراه خود داشته، تصویری انتزاعی است که علاوه بر برانگیختن نیروی خیال مخاطب، مفهوم بازگشت همهٔ مخلوقات به خداوند متعال در روز قیامت را به مخاطب انتقال می‌دهد. با ملاحظهٔ تصاویر و عناصر به‌کار رفته در این آیه، واژگان و معنای آیه، می‌توان تصاویر معنای حسی و انتزاعی آن را از بافت آیه دریافت نمود؛ علاوه بر اینها، مؤلفه زیبایی‌شناسی استعاره در این آیه که ایجاز و نوآوری در بیان است، کاملاً مشهود است. همچنین سایهٔ معنایی که این واژگان در ذهن مخاطب برمی‌انگیزاند، او را به تفکر و تعقل وامی‌دارد. کارکردهای این تصویر، کارکردی هنری و کارکردی عقلانی است. کارکرد هنری آن به‌خاطر به‌کارگیری استعاره و جذابیت بخشیدن به کلام، جنبش واژگان، هماهنگی آهنگ و سایهٔ واژه با محتوا و نیز انسجام و هماهنگی میان حروف در واژگان است و کارکرد عقلانی آن، به‌دلیل تفکر و تعقل در امر خداوند، نحوهٔ تصویرسازی حوادث روز قیامت و بیان هدف دینی است.

هم‌چنین در آیهٔ «وَأَذِّنْ لِرَبِّهَا وَحَقَّتْ» (۵) نیز استعاره مکنیه وجود دارد.

کلمه «اذن» در اصل لغت به‌معنای اجازه‌دادن نیست، بلکه به‌معنای گوش‌دادن است، و گوش‌دادن را هم که «اذن» نامیده‌اند تعبیری است مجازی از انقیاد و اطاعت، و کلمه «حَقَّتْ» به‌معنای آن است که آسمان در شنیدن و اطاعت فرمان‌های خدا حقیق و سزاوار می‌شود؛ و معنای آیه این است که آسمان مطیع و منقاد پروردگارش شده، حقیق و سزاوار شنیدن و اطاعت فرمان‌های پروردگارش می‌شود. (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۰۰/۲۰)

تصویر معنای انتزاعی اطاعت آسمان از پروردگار، در قالب استعارهٔ مکنیه ترسیم شده

آن‌جا که وضعیّت آسمان در اطاعتش از تأثیر قدرت خداوند متعال (هرگاه که اراده نماید)، به اطاعت‌کردن گوش‌دهنده و تسلیم‌شوندهٔ فرمان، تشبیه شده، سپس مشبّهٔ حذف شده و اصطلاح اجازه و گوش‌دادن به‌کار رفته در هدفش به‌عاریه گرفته شده است. (الصافی، ۱۴۱۸ق: ج ۲۸۱/۳۰)

عنصر حرکت و نیز هماهنگی و انسجام آیه با موضوع، زیبایی خاصی به تصویر بخشیده است و این بیانگر کارکرد هنری آیات است. همچنین «این عمل طبیعت با موقعیت و سرنوشت انسان در این صحنه و دورنماهای قیامت، هماهنگی و پیوستگی خاصی دارد زیرا همه چیز در تکاپو و کوشش است» (قطب، ۱۳۴۹: ۴۳۳). همانطور که در آیه «یا ایها الإنسان إنک کادح إلی ربک کدحاً فملاقیه» انسان نیز مانند زمین، سختی‌ها را تحمل می‌کند و همواره کوشا و در حرکت است تا در نتیجه مانند آسمان و زمین به پروردگارش برسد و بار امانت خود را به پیشگاهش برساند و پاداش خود را از او دریابد. (همان) تصویر معنای انتزاعی تسلیم‌شدن در برابر خداوند متعال در روز قیامت و رویارویی انسان با خداوند متعال، این نکته را متذکر می‌شود که همه موجودات، خواسته یا ناخواسته در جهت یک هدف در حرکتند و آن معاد و بازگشت به سوی خداوند متعال است، امری که فرار از آن ممکن نیست و این همان کارکرد عقلانی این تصاویر است؛ چراکه مخاطب را به این نکته واقف می‌کند که قدرت خداوند متعال، همه موجودات را شامل می‌شود و در روز قیامت، همه چیز در برابر خداوند متعال سر تعظیم فرود می‌آورند.

۲.۲.۲.۴ استعاره تمثیلیه

«استعاره تمثیلیه» آن است که وجه شبه از امور متعدّد انتزاع شده باشد (جرجانی، ۱۹۴۵: ۲۲۳) در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِیَمِینِهِ» (۷) «فَسَوْفَ یُحَاسَبُ حِسَاباً یَسِيراً» (۸) «و یتقلب إلی أهله مسروراً» (۹) ترجمه: (اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود) (۷) به زودی‌اش حسابی بس آسان کنند) (۸) و شادمان به سوی کسایش باز گردد) (۹) این ترکیب، تمثیلی است برای آن کسی که مورد محاسبه قرار می‌گیرد و محاسبه با او آسان و همراه با شادمانی، پیروزی و نجات است؛ بعد از اینکه در دنیا اعمال صالح به جا آورده که به شخصی تشبیه شده که برای تجارت به سفر رفته و سالم و سودبرده نزد خانواده‌اش بازگشته است، این حالت مشبه به، همراه با یک شادمانی فراوان به جهت موفقیت و سود فراوان و سلامتی و دیدار با خانواده است که همگی در این میان شاد و خوشحال هستند، وجه شبه بین دو حالت چنین است، و این شادمانی برای مخاطبین آیه شناخته شده و مألوف است و این سخن از قبیل استعاره تمثیلی است. و مراد بازگشتش به خانه خود در بهشت نیست زیرا او از قبل در آنجا نبوده است و ممکن است خویشاوندانی نداشته باشد.

و نیز کنایه از آسودگی فراوان است چرا که مسافر هنگامی که به سوی خویشاوندانش بازمی‌گردد خستگی‌ها از تنش بیرون رود. (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲۲۳/۳۰) تصویر معنای انتزاعی بازگشت شادمانه فرد به سمت خویشان خود، عنصر جنبش و پویایی را نشان می‌دهد که به آیات جلوه زیبایی بخشیده است و به مخاطب احساس شادی و امید می‌بخشد. همچنین «هرگاه به صدای مکرر سین گوش می‌دهیم، نرمی و لطافت سایه آن را احساس می‌کنیم و گویی به سبکی و آرامش آن، آرامش می‌گیریم.» (یاسوف، ۲۵۰/۱۳۸۸) و از سویی دیگر «الف» به کار رفته در فواصل آیات، موسیقی دلنشینی را به وجود آورده که نوعی سکون و آرامش را به مخاطب انتقال می‌دهد. بنابراین واژگان به کار رفته در این آیات و ریتم موسیقایی آنها با هدف مورد نظر، تناسب و هماهنگی خاصی دارد و نمایانگر کارکرد هنری آیات است. کارکرد روانی و عاطفی آن، به دلیل القای احساس زیبا به مخاطب، و تأثیرگذار بودن آن کاملاً مشهود است و با بافت آیات مرتبط است. بنابراین، تصویر، تنها بر پایه تعامل میان دو قطب استعاره نیست، بلکه تعامل در بافت آن نیز وجود دارد که تناسب ساختی و روانی تصویر را نیز محقق می‌سازد.

۳.۲.۲.۴ استعاره مصرحه

در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (۷) «فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (۸) «وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۹) ترجمه: اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود (۷) به زودی‌اش حسابی بس آسان کنند (۸) و شادمان به سوی کسانش باز گردد (۹) آنهایی که در آن روز، نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند چنین و چنان می‌شوند، و منظور از کتاب، نامه عمل است، به دلیل اینکه دنبالش مسأله حساب را ذکر کرده. (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۰۲/۲۰) واژه «کتاب» به کرات در قرآن ذکر شده است، لیکن همه آنها به یک معنا به کار نرفته است و در این سوره، «کتاب» همان نامه اعمال انسان‌هاست. در واقع «کردار آدمیان در تصویر مادی محسوس به تصویر کشیده شده است که صحنه به نمایش گذاشته شده را زنده جلوه می‌دهد و تأثیر آن بر احساس و آگاهی را ژرفا می‌بخشد.» (احمد الراغب، ۱۳۸۷: ۴۴۵) تصویر معنای انتزاعی اعمال انسان به شکل یک شیء مادی یعنی نامه، مجسم شده تا در ذهن مخاطبان، محسوس‌تر و ملموس‌تر باشد. همانطور که یک نامه نگاشته شده قابل مشاهده است، اعمال انسان هم در روز قیامت قابل مشاهده خواهند بود؛ همانطور که در

آیات مختلف قرآن کریم به این نکته اشاره شده است از جمله آیه «وَأَنْ سَعِيَهُ سَوْفَ يُرَى (النجم: ۴۰):» و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد؛ که منظور از کوشش همان اعمال انسان در این جهان هستند. قرآن کریم از تصویر حسنی کتاب، تصویر معنای انتزاعی اعمال را ترسیم می‌کند؛ همچنین صحنه ذکر شده «در بیان و تصویر، باهم مرتبط و هماهنگ است تا هدف دینی و تأثیر آن بر جان مخاطبان محقق گردد و ایمان به قیامت در جان و خرد تعمیق یابد.» (الراغب، ۱۳۸۷: ۴۱۸) و این همان کارکرد تصویر هنری است که در قالب واژگان و ترسیم صحنه‌ها متجلی است و برای بیان غرض دینی از ورای تصویر با بافت آن نیز مرتبط است.

به تعبیر سید قطب

هر یک از کلمات قرآنی، گاه در ترسیم صفات و خصوصیات و خلق صحنه‌ها هم‌چون خطوط و نقوشی که قلموی یک نقاش می‌آفریند عمل می‌کند، و چنان روحی در آن نمونه خلق شده می‌دمد که آن را به صورت موجودی زنده، با شخصیتهای کامل مبدل می‌سازد، به گونه‌ای که حتی می‌توانی با انگشتان خود به آن اشاره نمایی... این خود یک نوع آفرینش (شگفت) است. (سید قطب، ۱۴۱۷ق: ج ۱/۲۰۴)

بنابراین، واژگان قرآنی، با خصوصیات خود از قبیل سایه، موسیقی، معنی، تناسب با موقعیت‌ها و غیره، تصویری زیبا بروز می‌دهند که بر اندیشه و احساس مخاطب تأثیر می‌گذارد و او را به هدفی که در ورای این واژگان پنهان است، رهنمون می‌سازد.

۴.۲.۲.۴ استعاره مصرحه تبعیه

در آیه «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِ أَلِيمٍ» (۲۴) ترجمه: (پس ایشان را به عذابی دردناک بشارت ده) کلمه «بَشِّرْ» به معنای خبر آندوه بخش بوده که استعمال این کلمه، یک نوع استعاره و یا تهکم است؛ یعنی غیر از عذاب، هیچ چیز دیگری برای آنان نیست. (قرشی، ۱۳۷۱ش: ج ۱/۱۹۴) در این کلمه، استعاره مصرحه تبعیه عنادیه به کار رفته، و در واقع بشارت را به قصد استهزا به جای انذار آورده است، کارکرد هنری را می‌توان از این واژه استنباط نمود. از سویی دیگر، تصویر معنای انتزاعی عذاب که امری مجرد و ذهنی است، به گونه‌ای ترسیم شده که مخاطب، لحن سرزنش‌آمیز و طعنه‌زننده را درمی‌یابد و عذاب را که با صفت اَلِيم (دردناک) همراه شده و بیانگر شدت آن عذاب است، در ذهن خود متصور می‌کند و

این همان کارکرد روانی تصویر است؛ گویی سایه‌ای که واژه «الیم» در ذهن مخاطب می‌گستراند، سیمایی است بسیار دردناک و رنج‌آور که هیچ واژه‌ای نمی‌تواند آن را توصیف کند. از سوی دیگر «عذاب چه روحانی باشد و چه جسمانی، برگرفته از یک مدلول حسی است.» (سیدی، ۱۳۹۰: ۱۷۹) شاید بتوان گفت خداوند متعال با ذکر این صفت، به گونه‌ای احساس درد و رنج را بیشتر جلوه‌گر نموده تا در ذهن مخاطب، تأثیرگذارتر باشد. کلمه «بشر» از ورای تصویر، با بافت متن در ارتباط است و هم‌چنین در عبارت «عذاب الیم»، تناسب روانی برقرار است.

۳.۴ تصویر نیکوکاران و بدکاران در قیامت

قرآن کریم با به تصویر کشیدن حالات و اوصاف نیکوکاران و بدکاران در روز قیامت، سعی بر آن دارد تا اوضاع و احوال روز قیامت را برای مخاطب تبیین کند و او را به تفکر و تعمق وادارد. در ادامه، تصویر اوضاع نیکوکاران و بدکاران بیان می‌شود:

۱.۳.۴ تصویر نیکوکاران در قیامت

قرآن کریم در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (۷) «فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (۸) «وَيُنْقَلَبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مُسْرُورًا» (۹) تصویر نیکوکاران را بیان نموده است. محاسبه آسان و رسیدگی به اعمال شخص نیکوکار، تصویر معنای انتزاعی بازگشت شادمانه او به سوی همقطارانش را ترسیم می‌کند. «مراد از «اهل» انیس‌هایی است که خداوند برای او در بهشت آماده کرده، مانند حور و غلمان و غیره، و این معنا از سیاق استفاده می‌شود. ولی بعضی گفته‌اند: مراد از آن، عشیره مؤمن او هستند، که مانند او داخل بهشت شده‌اند.» (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۰۲/۲۰) کارکرد روانی و عاطفی این تصویر، القای امید و احساس نیکو به مخاطب است. هم‌چنین چیش واژگان، فاصله‌ها و زیبایی آوایی آنها، بیانگر کارکرد هنری این آیات است. بنابراین اعجاز قرآن کریم تنها به جلوه‌گری الفاظ و کلمات به‌ظاهر بی‌روح ختم نمی‌شود بلکه معانی ذهنی و انتزاعی و حالات نفسانی را نیز شامل می‌شود که صحنه‌هایی سرشار از حرکت و پویایی در برابر مخاطب به‌نمایش می‌گذارد و مفاهیم والای قرآنی را ملموس‌تر نموده، اندیشه دینی قرآن را به مخاطب انتقال می‌دهد. به‌عبارتی «تصاویر قرآنی، تنها برای تزئین کلام به‌کار نرفته‌اند، بلکه گاهی برخی مضامین قرآنی، جز با

تصویرگری نمود پیدا نمی‌کنند و مناسب‌ترین روش در آشکار کردن مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب، همین ابزار تصویر است.» (محمد قاسمی، ۱۳۸۶: ۶۳)

۲.۳.۴ تصویر بدکاران در روز قیامت

در آیات «وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (۱۰) «فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا» (۱۱) «وَيَصْلَى سَعِيرًا» (۱۲) «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۱۳) «إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ» (۱۴) شخص بدکار به تصویر کشیده شده است.

کلمه «وراء» ظرف است، و اگر منصوب شده به‌خاطر این بوده که حرف جرّی که بر سر آن باید باشد حذف شده، چون تقدیر آن من وراء بوده، و بعید نیست که اگر نامه عملشان از پشت سرشان داده می‌شود به‌خاطر این است که در آن روز صورتشان به عقب برمی‌گردد، همچنان‌که در جای دیگر فرموده: «من قبل ان نظمس وجوها فتردها علی ادبرها» (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۰۲/۲). تصویر معنای حسّی دادن نامه اعمال از پشت سر، نوعی تحقیر و خوارشدن کافران و منکران است و همچنین صورت برگشته آنها به عقب، خود عذابی از عذاب‌های روز قیامت است؛ کارکرد روانی این تصویر به‌خوبی تبیین شده است. خداوند متعال، با تصویر معنای انتزاعی تحقیر، تصویر معنای انتزاعی عذاب را ترسیم نموده است و بدین‌شکل، بر احساس مخاطب اثر گذاشته است.

«فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا» کلمه «ثبور» مانند کلمه «ویل» به‌معنای هلاکت است، و دعای ثبور خواندنشان به این معنا است که می‌گویند: «واتبور» مثل اینکه می‌گوییم: «واویلا». (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۱۰/۲۰) ابن عاشور نیز معنای واژه «ثبور» را هلاکت می‌داند که به‌هنگام واقع‌شدن در بدبختی و بیچارگی به‌کار می‌رود؛ و این کلمه بعد از حرف ندا در معنای حسرت و دردمندی استفاده شده. (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲۲۴/۳۰) این تصویر، حسّی است اما بیانگر حالت روانی اندوهبار است. همچنین «کافر اکنون خواستار مرگ و نابودی است تا با حسابرسی و عذاب مواجه نگردد که بیانگر نهایت درد و شکنجه‌اش می‌باشد.» (احمد الراغب، ۱۳۸۷: ۴۴۵) آشکار شدن اعمال کافران و منکران معاد و شدت سختی روز قیامت، به‌گونه‌ای است که در آن روز، کافر آرزوی هلاکت می‌کند و تصویر معنای انتزاعی پشیمان‌بودن شخص کافر، گویای این مطلب است که پس از

برانگیخته شدن در روز قیامت، مرحله مجازات او فرا می‌رسد و این امر تحسّر و دردمندی وی را بیشتر می‌کند که این تصویر در قالب کارکرد روانی ترسیم شده است.

«وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا» یعنی داخل آتشی می‌شود و یا حرارتش را تحمل می‌کند که در حال زبانه کشیدن است، آتشی که نمی‌توان گفت چقدر شکنجه‌آور است. (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۱۰/۲۰) تصویر معنای حسی وارد شدن منکران به درون آتش برافروخته، توصیف عذاب دردناکی است که در آیات پایانی سوره بدان اشاره شده است. این تصویر حسی، تصویر معنای انتزاعی عذاب را ترسیم نموده است و از سویی، بیانگر شکنجه روحی دوزخیان نیز می‌باشد و این کارکرد روانی تصویر، احساس ترس و وحشت را به مخاطبان القا می‌کند.

«إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ» یعنی گمان می‌کرد بر نمی‌گردد، و مراد، بازگشت به سوی پروردگارش برای حساب و جزا است. و این پندار غلط هیچ علتی جز این ندارد که در گناهان غرق شدند، گناهایی که آدمی را از امر آخرت باز می‌دارد و باعث می‌شود انسان آمدن قیامت را امری بعید بشمارد. «بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا» این جمله پندار مذکور را رد می‌کند و می‌فرماید مسأله بدین قرار که او پنداشته (که بر نمی‌گردد) نیست، بلکه برمی‌گردد. (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق: ج ۴۱۰/۲۰) و جمله «أَنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا» از باب حجّت آوردن بر وجوب معاد است. (همان/۴۰۴) همچنین به صورت جمله اسمیه و با حرف «إِنَّ» آورده شده تا بر آگاه و ناظر بودن خداوند متعال تأکید کند. کارکرد عقلانی این تصاویر، از جهت استدلال آوردن خداوند متعال بر وجوب معاد و وقوع حتمی قیامت، نمایان است و این کارکرد حول هدف دینی می‌چرخد.

از سویی دیگر، تصویر معنای انتزاعی تکذیب معاد توسط کافران را می‌توان از خلال این آیات استخراج نمود که به زیبایی ترسیم شده است و در انتهای سوره به سرنوشت این افراد و عذابی که در انتظار آنان است، اشاره شده است. در این آیات، چند صحنه مختلف را می‌بینیم که با هم در بافت مرتبط هستند و یک تصویر کلی را ارائه می‌دهند و آن «معاد و فرجام مؤمنان و کافران» است که در کل این سوره با تصاویر در تعامل اند؛ کارکرد دینی این آیات، این مفهوم را به مخاطبان می‌رساند که کافران در روز قیامت، نتیجه اعمال و نیات خود را خواهند دید و عذاب و شکنجه روحی آنان تحقیرگونه است. به‌طور کلی

تصویر آیات، کارکرد روانی نیز مشهود است چرا که اظهار تأسف و ابراز دردمندی و تحسّر آنان گویای این مطلب است.

۴.۴ موسیقی

قرآن را آمیزه‌ای از تصویر، موسیقی، ریتم، آهنگ، هماهنگی و سایر عناصری می‌دانند که در تحریک‌پذیری قوه خیال نقش اساسی دارد و سبب ماندگاری و جاودانگی هر چه بیش‌تر مفهوم ارائه‌شده ذهن مخاطبان قرآن می‌گردد. (موسوی‌لر، ۱۳۹۴: ۳۰). واژگان در قرآن با صداهای بلند و کوتاه، سکون و تشدید و مدّه، نوعی موسیقی ایجاد می‌کنند که گوش‌نواز و دلنشین است. (سیدی، ۱۳۸۷: ۲۲۵) در این سوره آیات غالباً کوتاه هستند و تنوع فاصله‌ها و قافیه‌ها در اکثر آیات، باعث تنوع ریتم موسیقایی در فضای کلی سوره شده است. هم‌چنین

طول، لحن و وزن این سوره چنین است که طول پنج آیه اول، کوتاه که کم‌تر از سه کلمه است که با رنین «إِذَا» که به حرف بعد متصل می‌شود، آغاز می‌شود و می‌گذرد و به تشدید و «تاء» ساکن منتهی و متوقف می‌شود. آهنگ متناسب این آیات با معانی آنها نماینده حوادث سریع و پی در پی دوره‌های نهایی جهان است. (همان: ۲۴۴)

هجاهای واژگانی پایانی آیات ۱ تا ۱۹ کوتاه هستند (همانند شَقَّتْ، حُقَّتْ، مُدَّتْ، تَخَلَّتْ و ...) و یا به گونه‌ای هستند که کلمه باید به صورت مفخّم ادا شود (همانند ثَبُورًا، سَعِيرًا، يَحُور و...) در نتیجه واژگان پایانی در این بخش ریتمی کوتاه و تُند می‌یابند و یا به صورت بلند و همراه با تفخیم ادا می‌شوند. این موسیقی ویژه، گونه‌ای شور، هیجان و اضطراب را القاء می‌کند. در این بخش، تنها واژگان پایانی دو آیه ۶ و ۱۴ ریتمی بلند و کُند دارند و با بقیه آیات هم‌آهنگ نیستند. (دهقانی فارسانی، ۱۳۸۷: ۱۱) حضور شدید حرف «ق» در آیات مربوط به قیامت کاملاً مشهود است که هراس و وحشت را به مخاطب القاء می‌کند. هم‌چنین موسیقی واژه «سَعِيرًا» در آیه «وَيَصْلَى سَعِيرًا» (۱۲) به‌خاطر حرف «سین»، نشان از سختی و مشقّت بسیار زیاد این روز هولناک دارد.

عنصر هماهنگی ریتم موسیقایی با نظام فاصله‌ها و قافیه‌ها به‌عنوان یکی از عناصر هماهنگی هنری در این سوره به‌خوبی جلوه‌گر است و موسیقی ناشی از گزینش واژگان، تصویر معنای انتزاعی فضای اضطراب و ترس و وحشت و تهدید را ایجاد کرده است که

بیدار نمودن ذهن انسان‌ها و آگاهی‌دادن آنها بر قطعیت به وقوع پیوستن قیامت و رسیدگی به اعمال آنها را به‌خوبی ترسیم نموده است و تناسب و هماهنگی این واژگان با سیاق سوره و هدف موردنظر آن کاملاً مشهود است و از سویی دیگر، این موسیقی، بر مخاطب تأثیر عمیقی می‌گذارد و احساس و وجدان او را برمی‌انگیزاند و همه این توصیفات، کارکرد هنری را جلوه‌گر می‌کند.

۵.۴ تناسب (هماهنگی)

یکی از جلوه‌های زیبای تصویر قرآنی، تناسب است. تناسب یا هماهنگی گاه به شکل هماهنگی واژگان و جملات با محتواست، گاهی به شکل هماهنگی معنی با موسیقی کلام و گاه به صورت‌های دیگری است؛ به تعبیر سید قطب «تناسق درجات گوناگونی دارد؛ گاهی به شکل به‌نظم درآوردن عبارت‌های قرآنی است، گاهی با برگزیدن الفاظ مناسب با سیاق و معناست، سپس تنظیم آن الفاظ در یک سیاق و نسق مخصوص که در فصاحت و زیبایی و رسائی نکات دقیق به بالاترین درجات می‌رسد. (قطب، بی تا: ۱۲۷)

آغاز تا پایان سوره، در راستای موضوع قیامت به شکل وحدت موضوعی، دیده می‌شود و انتخاب واژگان، بافت آیات، لحن عاطفی کلام که همگی حول محور قیامت هستند، نوعی گونه‌زبانی را القا می‌کنند. همچنین، وحدت موضوع، تناسب و هماهنگی را به وجود می‌آورد.

در آیات «فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (۸) و «يُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۹) تطابق الفاظ با معانی، تناسب سایه دو واژه «یسیراً» و «مسروراً» با محتوای آیات، تناسب و هماهنگی را جلوه‌گر ساخته و در بیان تعبیر موردنظر، خیال مخاطب را گسترانیده است. همچنین جرس و آهنگی که در حرف «سین» وجود دارد، نوعی موسیقی دلنشین ایجاد نموده است.

تصویرها در آیات «فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ» (۷) «فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا» (۸) و «يُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا» (۹) و نیز در آیات «وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ» (۱۰) «فَسَوْفَ يَدْعُوا بُرُورًا» (۱۱) و «يَصْلَىٰ سَعِيرًا» (۱۲) در ترسیم صحنه‌ها باهم مرتبط هستند و هماهنگی بین صحنه‌ها کاملاً مشهود است. در این صحنه‌ها، برخی واژه‌ها با سایه‌ای که از خود به‌جای می‌گذارند، به‌خوبی معنای موردنظر را در ذهن مخاطب القا می‌کنند و در نتیجه،

«هماهنگی سایه لفظ با فضای تصویر» را به نمایش می‌گذارند، مانند واژه «سعیراً» که در تصویرپردازی صحنه عذاب کافران نقش بارزی ایفا نموده است. همچنین، در آیه «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۲۴) واژه «عذاب» که با «الیم» توصیف شده و سایه‌ای از خود در ذهن مخاطب برجای نهاده، یکی از عناصر تصویرپردازی یعنی هماهنگی سایه واژه با فضای تصویر را ایجاد نموده است. تصویرها در وحدت و انسجام در یک نوار متحرک و تأثیرگذار بر جانها میان ابتدا و انتها درجوشش است. به‌صورت کلی وحدت هنری در وحدت موضوع و ترتیب اندیشه‌ها و تصویرها، سلسله‌وار نمایش داده شده است؛ بنابراین «کارکرد هنری با تمام روابط هنری با دیگر رویکردها در رویکرد کارکرد دینی در حرکت است تا آن را تقویت نماید، چون در تصویرگری اصل و پایه است.» (الراغب، ۱۳۸۷: ۵۳۶)

جدول بسامد کارکردهای تصویری سوره انشقاق حول محور قیامت

آیات ۱ تا ۵، آیات ۳ و ۴، آیات ۷ و ۸ و ۹، آیات ۱۰ تا ۱۴، آیه ۲۴.	کارکرد روانی
آیات ۱ تا ۵، آیات ۲ و ۳ و ۴، آیات ۱۰ تا ۱۴.	کارکرد عقلانی
آیات ۱ تا ۵، آیات ۱۰ تا ۱۴.	کارکرد دینی
آیات ۱ تا ۵، آیات ۳ و ۴، آیات ۷ و ۸ و ۹، آیه ۲۴.	کارکرد هنری

۵. نتیجه‌گیری

مفهوم انتزاعی قیامت، در قرآن کریم در اشکال و تصاویر گوناگونی به‌کار رفته است و ادیبان و علمای بلاغت به شیوه‌های گوناگون، آن را به تصویر کشیده‌اند. این پژوهش برای درک و فهم مفهوم قیامت در سوره انشقاق، تصاویر معنای حسّی و انتزاعی آن را موردبررسی قرار داده است. تصاویر معنای حسّی، ملموس و محسوس هستند ولی تصاویر معنای انتزاعی، ملموس نیستند و با حواس پنجگانه قابل لمس نیستند.

در پاسخ به پرسش اول مقاله، می‌توان گفت که تصاویر معنای حسّی (از قبیل دیداری، شنیداری و ...) و انتزاعی در قالب عناصری چون تضاد یا مقابله، موسیقی، تناسب یا هماهنگی و تجسیم که خود شامل تشخیص، استعاره مکنّیه، استعاره تمثیلیه، استعاره مصرّحه و استعاره مصرّحه تبعیه است، ترسیم شده‌اند و مفهوم قیامت را به‌خوبی تبیین کرده، معنای موردنظر را به مخاطب القا می‌کنند. به عنوان مثال، قرآن کریم، از دل

به تصویر کشیدن دگرگونی‌های آسمان و زمین که همان محسوسات هستند، مفاهیم انتزاعی وقوع قیامت را به مخاطب متذکر می‌شود. همچنین تصویر معنای انتزاعی اطاعت آسمان و زمین، این پیام دینی را به مخاطب القا می‌کند که همه موجودات در برابر پروردگار متعال و به اذن او، مطیع و فرمانبردارند. موسیقی به کار رفته در آیات مربوط به قیامت، احساس ترس و وحشت را به مخاطب منتقل می‌کند و این مفهوم را در پی دارد که قیامت برای کافران و بدکاران، جایگاه بدی است که نمی‌توان از آن فرار کرد. همچنین، آغاز تا پایان سوره، در راستای موضوع قیامت به شکل وحدت موضوعی، دیده می‌شود و انتخاب واژگان، بافت آیات، لحن عاطفی کلام و نیز هماهنگی سایه لفظ با فضای تصویر، تناسب و هماهنگی خاصی را به وجود آورده است.

در پاسخ به پرسش دوم نیز، باید گفت: کارکردهای این سوره عبارتند از کارکرد روانی، کارکرد عقلانی، کارکرد هنری و کارکرد دینی که در تبیین معنای آیه و هدف آن نقش به‌سزایی داشته‌اند چرا که در این کارکردها، رویکرد قرآن کریم در ساختن انسانی که مورد خطاب متن قرآن است، مشخص می‌شود. این رویکرد، از حیث اندیشه، رفتار و احساس بر تصویر هنری تکیه دارد که همان قاعده اساسی در سبک قرآنی است. بسامد کارکردهای این تصاویر، کارکردهای هنری و روانی است که در جهت هدف دینی این سوره است. به‌طور کلی، می‌توان گفت تصاویر معنای حسی و انتزاعی این سوره، بر اندیشه، احساس، و وجدان مخاطب تأثیر می‌نهد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

احمد الراغب، عبدالسلام (۱۳۸۷ش) کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم، چاپ اول، تهران: سخن. دهقانی فارسانی، یونس (۱۳۸۷) «ساختار سوره انشقاق» فصلنامه بلاغ مبین، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۴، صص ۳-۱۴.

سیدی، سید حسین (۱۳۹۰) زیبایی‌شناسی آیات قرآن، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سیدی، سید حسین (۱۳۸۷) «مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن» فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز - پیاپی ۲۷- تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۰۵-۱۱۶.

فتوحی رودمعدجی، محمود (۱۳۹۵) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ سوّم، تهران: سخن.

قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱ش) قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
قطب، سید ابراهیم حسین (۱۳۴۹ش) دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن، ترجمه و پژوهش: غلامرضا خسروی حسینی، تهران: انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲) پرتوی از قرآن، تهران: ناشر: شرکت سهامی انتشار. ناشر دیجیتالی: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۶) «جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن»، صحیفه مبین، شماره ۴۰، صص ۷۵-۵۹.

موسوی‌لر، اشرف‌السادات، یاقوتی، سپیده (۱۳۹۴) «تبیین جلوه‌های تصویری آیات قرآن با تکیه بر نظریه هنری سید قطب»، جلوه هنر، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۴، صص ۲۵-۳۵.
یاسوف، احمد (۱۳۸۸) زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: سخن.
هاوکس، ترنس (۱۳۸۰) استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

منابع عربی

ابن عاشور، محمد الطاهر ابن محمد (۱۹۸۴)، التحرير و التنوير، تونس، الناشر: الدار التونسية للنشر.
ابن فارس، احمد (دون‌تا) معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، الطبعة الأولى، بیروت: دارالجمیل.

ابن منظور، محمد بن مکرم (دون‌تا) لسان العرب، القاهرة، دار المعارف.
بسام ساعی، أحمد (۱۹۸۴) الصورة بین البلاغة و النقد، الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة السعادة.
بکری، شیخ امین (۱۴۰۰ق) التعبير الفني فی القرآن، الطبعة السادسة، دار الشروق.
جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۴۸) الحيوان، تحقیق عبدالسلام هارون، قاهره مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان (۱۹۵۴) اسرار البلاغة، طبع هلموت ریتز، اسطانبول.
سید رضی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۴۰۷ق) تلخیص البیان فی مجازات القرآن، چاپ اول، تهران: نشر انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الصافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق) الجدول فی إعراب القرآن، الطبعة الرابعة، الناشر: دمشق: دار الرشید - بیروت: مؤسسة الإيمان.

خوانش تصوير معنای حسى و انتزاعى ... (وفاء محفوظى موسى و ديگران) ٨٣

عبدالعزيز شادى، محمد ابراهيم (١٩٩١)، الصورة بين القدماء و المعاصرين، الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة السعادة.

عصفور، جابراحمدا (١٩٩٢) الصورة الفنية فى التراث النقدى و البلاغى، المركز الثقافى الغربى، الدار البيضاء، الطبعة الثانية.

قطب، سيد إبراهيم حسين (دون تا) التصوير الفنى فى القرآن، مصر، مكتبة القرآن.

قطب، سيد إبراهيم حسين (١٤١٧ق) تفسير فى ظلال القرآن، الطبعة الخامسة و العشرون، القاهرة: دار الشروق.

الطبرسى، فضل بن حسن (١٤١٥ق) مجمع البيان فى تفسير القرآن، التحقيق و التعليق: لجنة من العلماء و المحققين الأخصائيين، الطبعة الأولى، لبنان: بيروت، المطبعة: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی